



تاسیس در بهمن ماه ۱۳۲۷ شمسی

تفتیشات  
تجزیه و تحلیل

# زبان فارسی

سال بیست و سوم

شماره - ۲

تاسیس بهمن ماه ۱۳۹۸

مؤسس: مرحوم وحید دستگردی    مدیر و نگارنده: وحیدزاده - نسیم دستگردی

در سالهای اخیر که زبان و ادبیات شیرین پارسی مانند سایر قسمت ها مورد بی اعتنائی نادانان و مهمل سرایان واقع گردیده و کاخ رفیع شعر و ادب هم از دست جهال و ژاژ طبعان مصون نمانده مقاله متین زبان فارسی را دریابید که آخرین مقاله استاد ادب مرحوم وحید است بطبع میرسانیم .

## زبان فارسی را دریابید!

زبان و ادبیات پارسی یعنی زبانی که فردوسی و نظامی و سعدی بدان سخن گفته اند بدون تردید یکی از فصیح ترین و شیرین ترین زبانهای دنیاست . اساتید سخن فارسی در راه تکمیل و تاسیس این زبان زحمت ها کشیده و شعر و نثر پارسی را با فصاحت و بلاغت و شیرینی و ملاححت آمیخته بمذاق تمام عالمیان سازگار گردانیدند .

زبان فارسی عصر کیان و ساسان اگر بدست هم بیاید دارای جنبه ادب نبوده و با مذاق گیتی سازگار نیست و درست نسبت فارسی کنونی ما با فارسی قدیم همان نسبت زبان عربی است با زبان عبری که هنوز قوم یهود بدان تکلم میکنند و اگر غلط نکنم کیفیت تولید زبان عرب از زبان عبری هم مانند زادن زبان فارسی کنونی ما بوده است از زبان باستانی اوستا و ساسانی .

در هر حال مقصود ما اینست که زبان فارسی کنونی ما اساس نژاد و قومیت ماست و هر ایرانی باید در پاس این زبان از هیچگونه فداکاری کوتاهی نکند . پادشاهان پیشینه و بزرگان دبرینه ایران شعرای بزرگ و سخن شناسان سترک را هزاران گونه تشویق و تکریم و همراهی کردند تا بوسیله آنان این زبان شیرین و سازگار با مذاق تمام اهل جهان بوجود آمد .

همیشه وزیران درجه اول و حکمرانان کسانی بودند که زبان آنان چامه فصاحت میسرود و خامه آنان نامه بلاغت مینگاشت و بیدایش بیهقیها در اوایل و قائم مقامها در اواخر برهان قاطع بر دعوی ماست .

مهمل سرایان در هر عصر ضرب المثل و سبکترین اشخاص و راندگان از هر محفل و مجالس بحساب میآمدند . ژاژ طبعان در قدیم و مهمل گوئی دلشاد ملک معارف هنوز هم خنده انگیز مجالس و محافل است .

از دوره قائم مقام و امین الدوله و علی آبادی که منشآت آنان در کتابخانه اهل ذوق و ادب یادگاریست بس شیوا هنوز چندی نگذشته که ناگهان معدودی بنام اعضای فرهنگستان!! در گوشه جمع و برای وزن شعر چند نفر از فضلا و علمای درجه اول را هم مهر خموشی و سکوت بر دهان زده و بند آهنین بریشان و بیان بسته بدان جایگاه کشانیده و عکس العمل آن عصر بلاغت و دوره فصاحت را بوجد آوردند .

فضلا با حسرت تماشا میکردند و ساکت بودند و آن معدود و گروهی که معنی هیچ کلمه فارسی را نفهمیده و بر خلاف جامعه فارسی زبان و تمام کتب لغت فارسی و تمام دواوین شعر اساتید کلمه (دام) را گاو و گوسفند و زمین را آسمان و شب را روز ترجمه کرده یکباره زبان شیرین فارسی را از رونق و جمال انداخته و درست بضدیت فردوسی و سعدی و بر خلاف قائم مقامها و علی آبادیها و امین الدوله ها زبان را فاسد و اسباب تمسخر و استهزای عالمیان ساختند .

کتب شعر و نثر اساتید را همه کس دیده و خوانده ، منشآت قائم مقام هم چاپ شده و بدسترس همه کس هست اکنون چند فقره از انشاها و ترکیبات فرهنگستان را هم که از طرف دوائر دولتی باعث دردسر عموم شده و همه را مات و میهوت و متحسر و متعجیر ساخته است برای مقایسه مینگاریم .

بانك رهنی قبض رسید بدهکاران را چنین املا و انشاء میکند : «آقای . . . اقلام زیرین بیستانکار و امدار شما رسیده است»!! از این عبارت چنین مستفاد میشود که بدهکار بانك يك و امدار دارد و آن و امدار هم يك بیستانکار دارد و بانك واسطه فیما بین شده از امدار او گرفته و بیستانکار او رسانیده است.

دراولتیماتوم بانکی مینگارد :

(باد آوری مینماید که طبق ماده ۲۰ شرایط همگانی این بانک نسبت بقسط عقب افتاده تا تاریخ بهره دیر کرد از قرار صدی ۱۲ در سال بحساب بدهکار شما محسوب الخ)

البته فهم این عبارات با اهل زبان است و فارسی زبانان از درک معنی این جمل (بهره دیر کرد) (بدهکار شما) عاجزند .

دربانک ملی فرهنگستان کمتر فنه کرده و حال زبان چنین است پس وای بر احوال عدلیه و ادارات دیگر و کتب علمه که باین زبان ترجمه میشود !!

دیروز یعنی آن زمان که این فضلا و علماء پیدا نشده و فرهنگستان در ایران شرف حضور نداشت صاحب چنین انشاء و املائی بانکی را برای دفتر داری در هیچ دکان بقالی و علافی راه نمیدادند وای امروز ریاست دوایر بانک ملی با صاحبان این املا و انشاء و زبان است !!

کتابیکه بنام « واژه های نو » از طرف فرهنگستان منتشر شده تمام لغاتش از اول تا آخر غلط و بیهوده است و ما بتدریج غلط بودن این لغت را مدلل خواهیم داشت اصل کلمه واژه هم غلط و جای بسی تاسف است که بر فراز صفحه اول این مجمع الاغلاط که از طرف دشمنان زبان فارسی و اعدای فردوسی ایجاد شده يك مصراع شیوا هم از حکیم فردوسی بحکم الهام آسمانی نوشته شده «توانا بود هر که دانا بود» و در حقیقت خود بناتوانی و نادانی خود اقرار و اعتراف کرده اند.

جمله (ستاد ارتش) یعنی چه ؟ ارتش را در شماره ۵ - ۶ ثابت کردیم اره و تیشه است و مخصوصا - ار - بتخفیف راء بهمین معنی در شعر اساتید هم علاوه بر زراتشت بهرام آمده .

انیر اخسیکتی گوید :

کلك هانی طبعش آن استاد چابك صورتست

کازر اندر دستگناه صنعتش ار میکشد

پس جمله ستاد ارتش یعنی جائیکه اره و تیشه ایستاده باشد و خوابیده یا نشسته نباشد .

در این اواخر کلمه «خستو» هم بمعنی مقرر و معترف وارد عدلیه شده و در تمام محاکم قدوم این غلط بزرگ با تهنیت پذیرفته شده است .

اینهم يك مهارت بزرگی است که در هر فرهنگ و لغتی که يك غلط از معرف آن یافت شود فرهنگستان ما بر مل و اسطرلاب آن غلط را پیدا کرده و فوری بنام خود و بنام خرابی زبان درادارت وارد میکند .

فرهنگ نویسان عصر صفوی اشتباه و غلط فراوان دارند و هزارها اشتباه در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ سروری و برهان قاطع میتوان یافت و مدلل کرد .

چنانکه پیش از اینهم گفته ایم . کرم بادامه ، کرم ابریشم است و در فرهنگها هم ضبط است . اما مولف جهانگیری بمحض اینکه در يك نسخه غلط از دیوان حکیم نظامی بجای کرم بادامه ، کرم بهرامه دیده با آنکه کرم بادامه را هم خودش ضبط کرده (کفن حله شد کرم بادامه را) فوری کرم بهرامه را هم لغت کرده و بمعنی کرم ابریشم ضبط کرده است و اینقدر هم توجه نداشته که بيك نسخه دیگر نظامی رجوع کند تا بداند نسخه خاص وی غلط بوده است . در باب (خستو) هم همین وضع پیش آمده و کلامه (هستو) که مخفف (هست از) و در زبان فارسی قدیم اقرار بوجود و ازلیت و ابدیت خدا بوده و اساتید سخن از قبیل فردوسی و اسدی بهمین معنی با صنعت جناس در شعر آورده اند در يك نسخه کاتب غلط نویسی (خستو) نوشته فرهنگ نگار با آنکه خودش هستو بمعنی مقرر و معترف ضبط کرده (خستو) را هم در همان بیت از نسخه دیگر گرفته و بمعنی مقرر ضبط کرده و ابدا فکر نکرده است که یکی از این دو باید غلط کاتب باشد .

فرهنگستان هم این غلط را با اسطرلاب پیدا کرده و برای استعمال بعدلیه فرستاده است در صورتیکه اگر هستو را هم مقرر ستاد باز هم غلط بود زیرا معنی هستو اقرار بوجود خداست نه اقرار بجنحه و جنایت و طلاب و امثال آن .

فرهنگ سروری مینگاردهستو - بروزن بد خو مقر و معترف بود و آنرا  
خستونیز گویند !!

### اسدی فرماید

بهستیش هستو شوی از نخست اگر خویشتن راشناسی درست

### فردوسی فرماید

بهستیش باید که هستو شوی ز گفتار بیکار یکسو شوی  
مسلم شاعر بزرگ هستورا برای صنعت تهنیس ناقص آورده و هرگز (خستو)  
بخاطرش خطور نکرده است عجب تر اینکه همین فرهنگ نویسان تخم میوه (هسته)  
را نیز خستو هم گفته اند. در صورتیکه عوام درجه اول هم هسته تلفظ میکنند نه  
خستو علاوه بر گاه خدارا به (هستو) وصف کنیم بوجود و بقای او قائل شده ایم و هرگاه  
بخستو وصف کنیم معنی دیگر دارد یعنی خدا همه موجودات را خست یا آنکه خودش خسته  
شد !! باری مقصود از این مقاله بیان اغلاط نبود و بی اختیار در این موضوع وارد شدیم.  
اینک از فضلا و علمای معدودی که با زبان بسته و قلم شکسته در این کریوه  
باجبار دعوت شده و بگوشه نشسته اند انتظار داریم که بایک تصمیم فوری قلم بر سر  
واژه های نو و واژه سازان !! در کشیده و زبان کهن سال فردوسی و نظامی و سعدی را  
از خطر نجات داده روان فردوسی و نظامی و سعدی را شاد فرمایند و نیز انتظار  
داریم که بفوری استعفا بلکه عضو نبودن خود را در جراید اعلان و اطلاعات خود را  
در خصوص خرابی زبان برای جراید خاصه مجله ارمغان ارسال فرمایند نیز امیدواریم  
که عمارت فرهنگستان بزودی کتابخانه ملی مسجد سپهسالار شود و کتب نفیس  
گرانهای صحیح بجای (واژه های نو) غلط مستقر گردد و نموداری هم از واژه ها  
و ترکیبات نو را بیادگار فرهنگستان در یک قفسه مخصوص گذاشته تا ابد عبرت  
ناظرین قرار دهند.